

رسول پویان

تصویر عینی از شهر کابل

(سالیان 1384، 85 و 87)

بخش سوم

دانشگاه (پوهنتون) کابل

در یکی از روزهای آفتابی سال 1305 خورشیدی به یاد دوران تحصیل چندگاهی در صحن دانشگاه به گشت و گذار مشغول شدم و لحظاتی هم در سایه‌سار درختان انبوه آن تنهای تنها نشستم. در عالم رویا خود را در کنار هم‌صنفی‌ها و دوستان دوران تحصیل یافتیم؛ یکایک از خاطرات روزگار جوانی، چون پرده سینما از جلو چشمان خسته ام گذشتند. به یاد دوستان نامردم که پس از کودتای هفتم ثور 1357 خورشیدی به کام اژدهای جنگ و استبداد پاک سوزیده بودند قطرات اشکی افشاندم؛ از این که خود را زنده مشاهده کردم به راستی متعجب شدم.

آن سو ترک صدای چکاچک گلوله‌ها و نهیب وحشتناک موشک‌های کور دوران جنگ داخلی مغزم را منفجر می‌کرد و داستان دلخراش آن را برگ برگ درختان و سنگ سنگ ساختمان‌های این دانشسرای آشنا برابم زمزمه می‌نمودند؛ آری! قصه‌های پر غصه درگیری‌های ایده‌نولوژیک و کشاکش‌های خونین سیاسی دهه 40 شاهی را نیز از دل تاریخ می‌شنیدم، تاریخی که هنوز تکرار می‌شود؛ دل بینایی هم نیست که از رخداد‌های خونین و هستی سوز پیشین پند و اندرز گیرد و حال و آینده را بر مبنای نقد دانشوران گذشته بسازد. خونین جگر و اندوهناک از نهیب فریاد پرسکوت واژگان «دانشگاه» و «پوهنتون» که در زیر دست و پای سیاست‌بازان و فرهنگ ستیزان افتاده بودند، بیدار شدم و با خود گفتم؛ این واژگان مظلوم چه گناهی دارند؟!

از این که بگذریم، با تأسیس فاکولته طب در سال 1311 مطابق به 1931 میلادی نخستین گام در راه ایجاد تحصیلات عالی عصری در افغانستان برداشته شد. به دنبال آن در سال 1938 میلادی فاکولته حقوق، 1943 میلادی فاکولته ساینس و 1944 فاکولته ادبیات افتتاح گردید. در حال حاضر در دانشگاه (پوهنتون) کابل به تعداد 14 فاکولته وجود دارد:

فاکولته ساینس، فارمسی، وترنری (دامپزشکی)، زمین‌شناسی، انجینری (مهندسی)، اقتصاد، زبان و ادبیات، شرعیات، هنرهای زیبا، زراعت (کشاورزی)، حقوق و علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ژرنالیزم (خبرنگاری)، روانشناسی. دانشگاه در غرب کابل موقعیت دارد. فضای سبز و ساحت آرام و باصفایی آن از نگاه جغرافیایی محیط مناسبی برای محصلان فراهم کرده است. اگر نا امنی‌ها، بحران‌های پیاپی، خشونت‌ها و تشنجات نظامی، سیاسی و قومی آرام شود، فرصت خوبی برای تحصیلات عالی در کشور مهیا خواهد شد.

گوشه‌یی از فضای سبز دانشگاه



فاکولته اقتصاد



کتابخانه دانشگاه



کتابخانه‌های کابل

کتابخانه‌های عمده کابل بیشتر در دهه 40 سلطنت ظاهرشاه تأسیس شده اند؛ مثل کتابخانه عامه (سال تأسیس 1345 خورشیدی، کتابخانه اکادمی علوم (سال تأسیس اکادمی علوم 1349 خورشیدی، کتابخانه دانشگاه (سال تأسیس 1310 خورشیدی) و غیره؛ اما خدا بده کتابخوان. در این روزها علاقه‌مندان مطالعه و پژوهش و دستداران علم و فرهنگ خیلی خیلی کم شده اند. جنگ پردازنا، ناامنی و خشونت‌های جاری از یک طرف، بیکاری، فقر و مشکلات اقتصادی از جانب دیگر مردم را چونان در هم پیچیده است که به راستی دل و دماغ مطالعه و خلوت با کتاب را ندارند. جوانان هم به انترنیت و تکنولوژی جدید بیشتر رو آورده اند.

از دلسردی عامه و غفلت جوانان که بگذریم، کتابخانه عامه، کتابخانه اکادمی علوم و دانشگاه مراکز خوبی برای مطالعه و پژوهش می‌باشند. کتابخانه عامه در قلب شهر کابل قرار گرفته و یکی از مراکز عمده کتب، مدارک و اسناد مکتوب کشور محسوب می‌شود. دروازه این گنجینه معنوی به روی عامه مردم (به خصوص محصلان، محققان و نویسندگان افغانستان) باز است.



عریضه نویسی در کابل

میرزایان و خطنویسان در جامعه افغانستان به سبب شیوع بی‌سوادی از قدیم معروف بودند. برای میرزا قلمان و کاتبان چیره دست و ماهر دفاتر، فکاهی و طنزهای خنده داری ساخته اند؛ اما این عریضه‌نویسان مسکین به خاطر لب نانی و چارقرانی (جهت سیر کردن شکم زن و بچه) در پیش روی ولایت کابل خاک افتو می‌خورند.

علاوه بر شیوع بالای بی‌سوادی بیشتر باسوادان هم املا و انشای عریضه نویسی را نمی‌دانند. عریضه نویسان هم بی‌سودان و هم کم‌سودان و باسوادان نا آشنا به امور اداری و قوانین جاری را یاری می‌کنند. عریضه نویسی در کابل و ولایات هنوز رواج دارد. برخی از عریضه نویسان نیز املا و انشای کافی ندارند. از مجبوری و بیکاری به این شغل رو آورده اند. به کمره عکس‌فوری نگاه کنید که آم را به یاد دوران نوجوانی می‌اندازد. این کمره در کنار

میرزاهای عریضه‌نویس به درستی داستان قرون وسطی کابل را در گوش‌های نسل امروزین زمزمه می‌کند.

عریضه‌نویسان



هوتل‌های کابل

تا پیش از سقوط طالبان در کابل همان هتل‌های سابق (مثل هتل انترکانتی ننتل، هتل پلازا و هتل‌های محلی شهرنو و شهر کهنه) مشهور بودند. بیشتر مسافران در سماواری‌ها و اتاق‌های عادی شبان را به صبحگاهان بخیه می‌زدند و با پرداخت پول اندک گذاره می‌کردند. بعد از سقوط حکومت طالبان روند هتل‌سازی و تالارسازی در کابل رونق گرفت و هتل‌های عصری و مدرن و مهمانخانه‌های خارجی زیادی به وجود آمد. از هتل‌های مشهور می‌توان به هتل ماریوت، هتل سرینا، هتل صافی لندمارک و هتل انترکانتی ننتل سابق اشاره کرد.

هتل قدیمی پلازا



قصابی در کابل (گوشتفروشی)

مردم افغانستان به گوشت علاقه فراوان دارند. پولداران از گوشت انواع و اقسام غذاهای لذیذ و خورش می‌سازند و آن را بیشتر با برنج صرف می‌کنند. مردم بینوا و مستمند با مقدار کم گوشت، کچالو، حبوبات و ترکاری شوربا و یا آبگوشت جور می‌کنند و آن را با نان گندم می‌خورند. شوربا غذای لذیذ و ارزان است. به این حساب گوشت در افغانستان هم غذای ثروتمندان و هم غذای بینوایان می‌باشد.

گوسفندان افغانستان کته دنبه و پرچربی می‌باشند. مردم در گذشته به سبب کارهای فیزیکی روزانه می‌توانستند این گوشت‌های چرب را هضم کنند؛ اما حالا اوضاع دگرگون شده است. هضم گوشت‌های تازه و فاق پرچربی پیشین کار آسانی نیست. بیماری‌های قلبی به همراه دارد. چربی گوشت بز و گوساله‌های کشور کم است. گوشت مرغ‌های خانگی ما به راستی لذت دیگری دارد. در جریان جنگ طولانی و ویرانگر و خشکسالی‌های آفتزا به مالداري و زراعت افغانستان آسیب زیادی وارد گردیده و از تعداد مواشی بسی کاسته شده است.

بازار قصاب‌ها در کابل گرم است



پینه‌دوزان کابل

پینه دوزی در کشور ما تاریخ بسیار طولانی دارد. نقل کنند که برخی از عارفان و شخصیت‌های مشهور خراسانی نیز در روزگار پیشین به این پیشه اشتغال داشتند و کف نان پاکی برای سیر کردن شکم به دست می‌آوردند. پینه دوزان کفش‌های مشتریان را ترمیم می‌کنند. رنگ و جلا می‌زنند. دوره دوزی می‌کنند. تهوار و کفی می‌اندازند. این شغل تاهنوز در کابل رونق دارد. مردم فقیر توان خریداری کفش نو را ندارند. تاکه بتوانند کفش‌های کهنه خود را وصله می‌زنند و ترمیم می‌کنند.



پولداران و افراد طبقه متوسط هم از شدت گرد و خاک شهر کابل مجبور اند هر روز کفش‌های خود را رنگ بزنند و جلا بدهند. به این دلیل در هر گوشه و کنار شهر کابل بساط پینه دوزان هموار است و اطفال غریب با تیره‌های بورس و رنگ کفش در همه جای شهر می‌گردند تا شاید پول لب نانی پیدا کنند. علاوه بر پینه دوزان حرفوی و سابقه دار بیشتر جوانان و نوجوانان از فقر و بیکاری به پینه دوزی و دستفروشی مشغول شده اند.



ادامه دارد